



شکلی متعالی از مبارزه با سانسور

گزارش از فراز ساوجی

انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری به "دلایلی روشن" موجب تظاهرات و خیزش بخش عظیمی از مردم کشور علیه رژیم شده است. فریادها و نداهای زنان و مردان و بخصوص جوانان عاصی از سی سال سرکوب و اختناق، اکثر جریانها و اقشار جامعه (داخل و خارج) را به حرکت، ابراز وجود و نظر واداشته است. در این بستر نشریات و تارنماهایی پا به عرصه وجود گذاشته اند که در اطلاع رسانی و مبارزه با سانسور فعال اند و برخی از آنها در بازتاب مبارزات مردمی، به دنبال یافتن راهی نو و تفکری جدید برای برقراری دموکراسی، آزادی، برابری و ایده های ضد سرمایه داری قلم میزنند.

علت وجودی این نشریات در واقع پاسخی است در شکل مدرن برای مبارزه با سانسور سنگین رژیم در جامعه. همانطور که میدانیم در ادوار تاریخ از کهن تا به امروز، همواره مردم به طرق گوناگون در مقابل قدرتهای حاکم سیاسی یا مذهبی به مبارزه برخاسته اند. از پیچ وچ و نقل اخبار و حکایات سینه به سینه، ساختن جک و متلک علیه سردمداران دولتهای زورگو، انتساب عقاید و نظرات کفرآمیز و انتقادی به نام کسانی که در گذشته اند و دیگر در دسترس نیستند (مانند برخی از آنچه به راوندی و زکریای رازی منسوب است)، نقل قصه و وقایع از زبان حیوانات از کلیله و دمنه تا مزرعه حیوانات (جرج اورول)، خلق کاراکترهای اجتماعی-کمدی (چون بهلول، دخو و ملانصرالدین). شعار نویسی و گرافیتی بر در و دیوار شهر، پخش تراکت، شبنامه و خیرنامه برای سیراب کردن عطش مردم برای کسب اطلاع در زیر شمشیر سانسور، خلق آثار هنری همچون گارنیکا از پیکاسو و نقاشی های دیگویی و... تا برسیم به استفاده از موبایل و اینترنت در روزگار ما. عرصهء مبارزه با سانسور خلاقیت حیرت انگیز مبارزهء توده ها را برای رهایی باز می تاباند.

در نگاهی به تعدادی از نشریات اینترنتی که به عنوان نمونه می آوریم، شاهد افشای جنایتهای رنگارنگ رژیم و بزیر سوال بردن کل نظام هستیم. برخی از اینها بدنبال یافتن اشکال نوین سازماندهی و فعالیت توده ای هستند بدون آنکه انتظار رهبری از بالا مطرح باشد. مطالعه گزارش زیر ما را با ایده ها و پیشنهادهایی برای راهیابی به طرحی نو در زمینه های سیاسی- اجتماعی و یافتن راهکارهای جدید در نبرد و تظاهرات خیابانی آشنا می کند.

خیابان

اولین شماره این نشریه "ویژه اعتراضات مردمی" در ۲۹ خرداد ۱۳۸۸ در چهار صفحه با شعار "زنده باد حاکمیت مردم، زنده باد مقاومت در برابر دیکتاتوری" در خیابان متولد شد، و با نشر روزانه تا شماره ۲۸ "۲۹ تیر ۱۳۸۸" ادامه یافت. از شماره ۲۹ "۱ مرداد

۱۳۸۸" برای کاهش فشار کار روزانه و امکان تثبیت و تداوم انتشار آن به صورت موقت سه شماره در هفته منتشر می شود. خیابان جای خود را میان ایرانیان باز کرده و حتی در نشریات خارجی هم معرفی شده است. بسیاری از سایتها و وبلاگها نیز با درج مقالات و اخبار از نشریه خیابان در معرفی آن به دیگران همیاری داشته اند. آرشیو کامل خیابان و دیگر نشریات جنبش مردمی کنونی را میتوان در برخی سایتها یافت .

برخی از تیتراهای گویای خیابان: "در سکوت زندان اوین چه میگذرد؟"، "در حالیکه خون از دستان حکومت می چکد؛ موسوی تنها نامه مینویسد"، "کودتای مخملی؟"، "هنر شهری نقد رادیکال نظم موجود"، "اعتراف گیری را متوقف کنید"، "برای مقابله با کودتا مردم آمدند ولی موسوی نیامد"، "زنان خیال بازگشت به خانه ندارند"، "کودتا و زیستگاههای مردم"، "مسلك حاکمان؛ جراحات های محکومان".

جالب اینکه "خیابان" سایت ندارد. متقاضیان از طریق اشتراک در آدرس الکترونیکی www.hkyaboon@gmail.com آنرا دریافت و پخش میکنند. صاحب نظران و نویسندگان، مقالات خود را به این آدرس می فرستند: www.xyaban@gmail.com

نشریه بذر

<http://www.bazr1384.com>

نشریه دانشجویی بذر که به عنوان زیر مجموعه، نشریه دانش آموزی بذر را هم منتشر میکند بصورت نشریه اینترنتی ماهانه با هدف "تبلیغ و ترویج ایده های مارکسیستی در جنبش دانشجویی و بردن ایده های مترقی بین دانش آموزان و معلمان" کار خود را از فروردین ۱۳۸۴ با انتشار بذر شماره یک شروع کرد و نشریه دانش آموزی را از بهمن ۱۳۸۶. بذر در همان شماره یک خود فروردین ۱۳۸۴ ایده ها و مواضع اش را اینچنین مطرح میکند:



"بزرگترین خلا در این جنبش پراکندگی فکری و عدم هماهنگی فعالین چپ می باشد که با تعطیلی نشریات متمایل به چپ و موج جدید فشار و اختناق در جامعه ایران تشدید یافته است. دست اندر کاران بذر به سهم خود در صدد پرکردن این خلا و ارائه اخبار و تحلیل های درست به جنبش دانشجویی هستند.

نشریه بذر در این چهارچوب سعی دارد که :

* منعکس کننده مبارزات رادیکال دانشجویان باشد و از آنها حمایت کند .

* مبلغ اتحاد جنبش دانشجویی با جنبش کارگران، معلمان، زنان، ملل و خلق های ستم دیده و سایر زحمتکشان شهر و روستا باشد .

* فعالانه به دفاع از روشنگری علمی برای مقابله با خرافات مذهبی بپردازد و سنت های پوسیده را به مصادف بطلبد .

* مبلغ جنبش آنتی گلوبالیزاسیون سرمایه‌داری و جنبش چپ در سطح بین‌المللی باشد و زمینه‌های همکاری دانشجویان ایرانی را با این جنبش‌ها فراهم آورد .

* حلقه گمشده میان نسل کنونی با نسل قبلی چپ را بازسازی نماید و با دیدگاهی پویا و نقاد تجارب جنبش چپ ایران و جهان را در اختیار نسل جدید بگذارد .

* نقش فعالی در نقد مکتب ضد مارکسیستی که امروزه در میان دانشجویان مطرح است بر عهده گیرد .

* دیدگاه‌های مختلف جنبش چپ را به دانشجویان معرفی کند و به دور از هیاهوهای سکتاریستی به بحث و مناظره علمی میان آنها دامن زند .

* از کوشش در جهت اتحاد میان آزادی خواهان، نیروهای رادیکال و مترقی کوتاهی نکند."

	سوی انقلاب شماره چهارم، اول تیر ۸۸
شرایط انقلابی و آلترناتیو کمونیستی (۱)	شماره چهارم، سال اول، هفتم تیر ۱۳۸۸
در این شماره می‌خوانید	سر مقاله : شرایط انقلابی و آلترناتیو کمونیستی
خبرهای کوتاه: گزیده‌ای از اخبار مبارزات مردمی در چند روز گذشته	

نشریه بسوی انقلاب

" <http://maktabemarx.net> "

هفته ای یک بار حاوی گزارش، تحلیل، اخبار، مقاله و متون آموزشی مارکسیستی- لنینیستی در ۱۶ صفحه با شعار "پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر" بصورت اینترنتی منتشر میشود. در بخشی از سرمقاله شماره هشت ۳۱ تیر ۱۳۸۸ چنین میخوانیم:

سر مقاله

"سالهای قرن بیستم دوران تفوق اندیشه ای بود که می خواست ساختمان جامعه بی طبقه را که عموماً " « کمونیستی » می نامید با توسل به شیوه هایی به انجام برساند که عملاً" ربطی به مارکسیسم و سوسیالیسم علمی نداشت و در واقع همان راه رشد سرمایه داری را با شیوه های خشن تر و سرکوب عریان تر پیشه خود کرده بود. دایره مانور اندیشه و عمل احزاب و سازمانهای حامی آن، فراتر از آنچه سرمایه داری دولتی خوانده می شد نرفت. همین امر باعث شد احزاب و سازمانهای کمونیستی یا در قامت احزاب سوسیال- دمکرات اروپایی (اروکمونیست ها) ظاهر شوند و یا در شکل فرقه های نامربوط که فاقد تاثیر قاطع در روند امور و مبارزات جاری کارگران بودند. به جرات می توان گفت این احزاب بشریت را سانتی متری هم به سوی کمونیسم هدایت نکرده اند. گفتنی است بر خلاف ادعای مدافعان این اندیشه آنچه اینک به عنوان دستاوردهای دمکراتیک انسانی خوانده می شود بی هیچ شبهه ای محصول مبارزات جهانی و منطقه ای طبقه کارگر است که وکالت بلاعزل خود را به هیچ مرجع حقیقی و حقوقی تفویض نکرده است."



خبرنامه ندا

<http://nedaanews.com>

خبرنامه روزانه ای است که از دوم تیر ۱۳۸۸ با نشر اخبار و مقالات آغاز به فعالیت کرده است. چنانکه از اسمش عیان است اخبار مربوط به جنبش مردمی را در تارنمای خود درج میکنند. در خبر نامه ندا از جمله می خوانیم:

سرمقاله

"پیام اول: چراها و چگونه ها

هدف ما از شرکت در این مبارزات به مراتب فراتر از نتایج انتخابات ریاست جمهوری دهم است. و معتقد هستیم که اکثریت کسانی که در انتخابات شرکت کردند و به موسوی و یا کروبی رأی دادند نیز اهداف و خواسته هایشان به مراتب بالاتر از گزینش این یا آن فرد بوده است. زمانیکه مردم در مناظره های تلویزیونی به عمق اختلافات کاندیداها پی بردند معتقد شدند که برای شکستن قدرت مطلقه از موقعیت انتخاباتی، بعنوان کم هزینه ترین راه، استفاده کنند. در حقیقت، انگیزه مردم به دستیابی به آزادی های مردمی و انسانی شان بود که در مقابل انحصارطلبان حکومتی به اصلاح طلبان حکومتی رأی دادند. اما، اینک که پرداخت این هزینه را به ما تحمیل کرده اند، دلیلی ندارد که خواسته های مبارزاتی خود را به نتایج انتخابات محدود کنیم. اینک زمان آن رسیده که مستقیماً برای آزادی های مردمی و انسانی خود مبارزه کرده تا اگر نتیجه ی مبارزات ما به قدرت گیری اصلاح طلبان حکومتی هم انجامید، ایشان بدانند که تا زمانیکه حقوق اولیه و خواسته های ما محقق نشود، دست از مبارزه بر نمی داریم."

بگذار صد گل بشکفد...

م . مینایی

زندگی در جهنم حکومت اسلامی کشنده و طاقت فرساست. در این شکی نیست. در صورت تداوم این حکومت هیچ آینده روشنی چه در کوتاه مدت و چه در دراز مدت برای کارگران، زنان، جوانان و نیز سایر اقشار و طبقات زحمتکش متصور نیست. مردم ایران با رژیم سرورکار دارند که با قساوت و بربریتی منحصربخود خیابانها و زندان هایش را به کشتارگاه مبدل کرده و در این مسیر جنایتکارانه خودی و غیرخودی نمی شناسد. حکومت دقیقاً "همچون یک رژیم اشغالگر خارجی همه مردم کشور را دشمن محسوب می کند. دول امپریالیستی باصطلاح جهان آزاد و دموکراسی خواه هنوز به توازن قوا در داخل می اندیشند و منافع غارتگرانه خود را دنبال می کند. دستان باراک اوباما همچنان به سوی دستان خون آلود ولی فقیه دراز است. سازمان ملل متحد همچنان در خاموشی بسر می برد. هنوز هیچ نشانه ای از اخطار جدی، تحریم، تشکیل اجلاس فوق العاده و بکار گیری بند هفتم ماده چهل و یک منشور ملل متحد و... از سوی سازمان ملل به چشم نمی خورد. اتاق بازرگانی و تجارت آلمان و ایران در این وانفسا علیرغم ژست های ظاهری آنگلا مرکل می خواهد مرکز تجاری ایران و آلمان را در برلین افتتاح کند. به گزارش بخش بازرگانی وزارت امور خارجه آلمان هجوم سرمایه داران آلمانی برای عقد قرارداد با طرف ایرانی بی سابقه است. اینهمه اما با این توجیه صورت می گیرد که گویا غربی ها نمی خواهند گزک به دست رژیم ایران بدهند. در حالیکه رژیم اسلامی قادر است همین فردا خامنه ای را به اعتراف جاسوسی برای اسرائیل وادارد. همچنانکه پیشترها این کار را با سعید امامی ها و بعضی از اعضای بیت منتظری و از آن پیشتر بیت شریعتمداری انجام داده است. از این رو برای قطع این روند چاره ای جز تلاش برای تغییر در صورت امکان سرنگونی این رژیم

نیست. اما آیا به صرف تغییر رژیم و حتا سرنگونی آن میتوان به مردم وعده آزادی و رفاه داد؟ آیا می توان آنها را به آینده ای روشن و سعادت مند مطمئن کرد؟ مسلم است که نمی توان. در این مورد نیز شکی نیست. تنها تحت رژیمی سوسیالیستی که در آن شوراها قدرت را در دست داشته باشند و کارمزدی لغو شده باشد میتوان به آزادی و رفاه دست یافت (البته می توان قیود و شروط دیگری را به این مجموعه اضافه کرد).

اینجا اما سوالی عارض می شود و آن اینکه: " چگونه می توانیم از جایی که هستیم به مقصد مورد علاقه مان برسیم؟" یعنی از جهنم سرمایه داری به بهشت سوسیالیستی وارد شویم؟

سراسر ترین پاسخی که به این سوال می توان داد این است: " با همراهی مردم (کارگران و زحمتکشان)". در این پاسخ نکته بسیار ظریفی پنهان است که باید آن را بیشتر بشکافیم. گزاره " با همراهی مردم " نهاد مستتر دارد. می توان نهاد آن را " ما " (منظور ما چپ ها) یا " حزب " (منظور حزب کمونیست و...) فرض کرد. منطقی ترین نتیجه ای که از این فرض می توان گرفت این است که خواسته یا ناخواسته " چپ " و " حزب " را از مردم جدا کرده ایم. زیرا اگر بگوییم مردم خود به سوسیالیسم می رسند پس بودن و یا نبودن ما و صد البته همراهی و عدم همراهی ما محلی از اعراب نخواهد داشت ولی اگر شق دوم را اراده کنیم در این صورت ادعای نخست مصداق می یابد، به این معنی که خط فاصلی بین خود و دیگران ترسیم می کنیم. واقعیت این است که مردم بی آنکه منتظر فرامین و رهنمودهای ما بمانند، با و یا بی سازمان به میدان می آیند و مبارزه می کنند. در این صورت " وظیفه " ما چیست؟ کمک به آنها در رسیدن به اهداف ملموس و بلا فصل شان. این کمک اما بدون همراهی و همگامی میسر نخواهد شد. اینجاست که لاجرم باید از برج عاج خود خارج شویم و چون ماهی در دریای خروشان مردم غوطه ور شویم. از آنها بیاموزیم و به آنها بیاموزیم. مطمئن باشیم که اگر عملاً" به آنها کمک کنیم آنها هم از کمک کردن دریغ نمی کنند. آنگاه در راه یک هدف مشترک می جنگیم و هیچگونه جدایی و افتراقی بین ما پیش نمی آید. در این صورت به مثابه بخشی از مردم پاب پای آنها در خیابان و میدان مبارزه می کنیم و جزئی از جنبش رنگین کمانی خواهیم بود که سرخی آن را نمایندگی خواهیم کرد.

به نظر می رسد باید از فتیشیزه (خرافاتی) کردن موضوع انقلاب و اشکال سازمانی آن خودداری کنیم. به عبارت دیگر باید طوری عمل نکنیم که گویا طبقه کارگر - خصوصاً کارگران صنعتی - بطور اتوماتیک سازمانیابی و انقلاب خواهند کرد. و یا باید تا تشکیل حزب طبقه کارگر و یا جبهه متحد چپ دست روی دست گذاشت و مردم را از ترس فریب خوردن و گمراه شدن به بی عملی فراخواند. اینکه ما با داشتن اینهمه فرصت و امکان هنوز سنگ فرقه ها را به سینه می زنیم و نتوانسته ایم استراتژی روشنی برای خود تدوین کنیم تقصیر مردم که نیست. مردم گرفتار باند خرافی خامنه ای - احمدی نژاد هستند که فکر می کنند امام زمان شان در انتخابات دخالت داشته و فرشتگان و اولیا و اوصیا در کار هدایت آنها هستند. مردم به عینه می بینند که نه آزادی دارند و نه امنیت و رفاه. حال می خواهند از شر رژیمی این چنینی خلاص شوند. مگر نه اینکه غریق به هر چه دم دستش باشد چنگ می اندازد؟ پس تقصیر مردم چیست که کشتی نجات سوسیالیستی در انتظارشان نیست تا آنها را به ساحل امن و رفاه برساند؟ طرفه اینکه مردم اگر صرفاً با رژیمی نظامی - کودتایی سرو کار داشتند کارشان به اندازه کافی مشکل بود اما بدتر اینکه با حکومتی درگیراند که از مذهب ابزار سیاسی ساخته است از اینرو مجبورند قبل از خود رژیم تقدس مذهبی اش را از بین ببرند. بخاطر همین است که دارند قدم به قدم خلع سلاحش می کنند. همین مردم بعد از گفتن الله اکبر در پشت بام ها کفرآمیز ترین SMS ها را برای هم می فرستند. اینان با پشت کردن به آیت الله ها نشان داده اند که برای توصیه های مذهب مداران تره هم خرد نمی کنند اما تا ما عملاً" در کنارشان نباشیم و حرف دلشان را نزنیم برای توصیه های ما هم تره خرد نخواهند کرد. به نظر من جنبش رنگین کمان باید همین نقیصه را برطرف کند.

انتشار از «ندای سرخ»

هشتم مرداد ماه ۱۳۸۸